



## نظرات دکتر مصدق در مورد بانوان

حمید رضا مسیبیان

تقدیم به همه مبارزان راه آزادی و حقوق زنان و به خصوص خانم‌ها، بهاره هدایت» و «شیوا نظر آهاری»

جمعه ۲۹ مرداد ۱۳۸۹

امروزه بحث دفاع از حقوق زنان در بخش عمده‌ای از زنان و مردان روشنفکر ایرانی گسترده شده و روز به روز هم در حال پیشرفت است. فعالان این حوزه هم در جنبش‌هایی از قبیل «کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان» و ... مشغول فعالیت هستند. که خدمات آنها بسیار قابل ستایش است. البته روشن است که مشکل اصلی ایران بحث آزادی و دموکراسی بوده و اصل مهم تلاش برای آن است. و سایر مسائل از قبیل حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، حقوق کودکان و حتی خود حقوق بشر هم (بدون دیدگاه سیاسی) و ... تنها مسائلی در زیر مجموعه آزادی و دموکراسی هستند. که به این ترتیب نیاز به همگرایی بیش از پیش بین همه فعالان مدنی و آزادی‌خواهان ایران و از جمله فعالان حقوق زنان، وجود دارد.

در همین راستا سرکار خانم دکتر «نیره توحیدی» از فعالان برجسته حقوق زنان در مطلبی با عنوان «اهمیت «دکتر مصدق» برای جنبش زنان و جنبش دموکراسی خواهی [1]» از دکتر مصدق به عنوان کسی نام می‌برد که نماد دموکراسی و آزادی در ایران است. و وجود او را به حالت نمادی برای جنبش آزادی‌خواهی ایران بسیار لازم می‌دانند. بعد هم تأکید دارد که معیار اصلی برای دفاع از حقوق زنان آن است که فرد «دموکرات» بوده و به «حقوق شهروندی» پایبند باشد. که به نظر نگارنده سخنانی بسیار درست و سنجیده هستند [2] و به این لحاظ به جرات باید گفت که اولویت اصلی برای تمام فعالان حقوق بشر و حقوق زنان و ... باید دموکراسی و آزادی باشد. اما در عین حال باید گفت که همین جنبش‌ها هم فعالیت‌های ارزشمندی جهت بالابردن سطح فهم مردم و حذف پدیده «مرد سالاری» در اجتماع دارند. که در نوع خود بسیار ستایش برانگیز هستند.

همچنین باید تأکید کرد که بخشی از همین فعالان حقوق زنان هم از ارکان اصلی مبارزات مردم ایران برای دموکراسی و آزادی هستند. و تلاش‌های همین شیرزنان در جهت آزادی و حقوق بشر باید الگوی مردان و زنان این کشور باشد. به این لحاظ نگارنده جهت حداقل ادای دین به تمام فعالان حقوق زنان ایران، تصمیم گرفت تا نگاهی به مواضع زنده یاد دکتر مصدق به عنوان سمبل آزادی و دموکراسی ایران در مورد زنان و حقوق آنها داشته باشد. چراکه به جرات باید گفت که دکتر مصدق حداقل از بعد از مشروطه یکی از اولین و معتقدترین افراد به حقوق زنان در ایران بوده است. وی از یک سو زنان را «ملکه خانه» می‌نامید و از سوی دیگر ستایشگر فعالیت‌ها و مبارزات زنان آزادی‌خواه در انقلاب مشروطه بود. در دوران نخست‌وزیری‌اش هم تلاش‌هایی برای اعطای حق رای به زنان انجام داده بود که در آن زمان با مخالفت شدید روحانیون برجسته راکد مانده بود. همچنین به شدت مخالف چند همسری مردان بوده و به برابری حقوق زنان مردان تأکید داشته است. و به جرات باید گفت که احترام بسیار زیادی هم برای زنان و به خصوص زنان مبارز قائل بوده است.

چنانکه در حالی که هرگز حاضر نشده بود دست شاه را ببوسد و به شدت مخالفت دست بوسی بوده است، اما عکس‌هایی از بوسیدن دست «ملکه ثریا» توسط وی وجود دارند که نشان از احترام او به زنان دارد. و در خانواده‌اش هم با زنان از قبیل همسر و عروس و ... روابط بسیار دوستانه و با محبتی داشته است. که در ادامه تلاش می‌گردد این مطالب به طور مختصر بررسی گردند.

### تقدیم به همه فعالان حقوق زنان و در راس آنان خانم‌ها «بهاره هدایت» و «شیوا نظراهاری» از مبارزترین و مقاوم‌ترین بانوان ایران

نگارنده این مجموعه را به تمام فعالان حقوق زنان ایران و به خصوص دو بانوی مبارز سرکار خانم «بهاره هدایت» و سرکار خانم «شیوا نظراهاری» تقدیم می‌نماید. که به جرات باید گفت امروزه در خطوط مقدم مبارزات زنان ایران در راه آزادی و حقوق زنان هستند.

سرکار خانم «بهاره هدایت» عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و سخنگوی این نهاد است. و از مبارزان برجسته راه آزادی ایران می‌باشد و همچنین از اصلی‌ترین فعالان حقوق زنان و کمپین یک میلیون امضا بوده و تا کنون به کرات بازداشت شده است. متأسفانه بعد از انتخابات خرداد ۸۸ هم دچار مشکلات شدیدی شده و در حال حاضر با حکم سنگین «نه سال و نیم زندان» مواجه شده است. که در نوع خود یکی از سنگین‌ترین احکام صادره برای فعالان دانشجویی و فعالان حقوق زنان می‌باشد. و به جرات باید گفت که ایشان در خط مقدم مبارزات زنان ایران قرار دارد.



**خانم «بهاره هدایت»**  
از برجسته ترین بانوان مبارز آزادی خواه  
و فعالان حقوق زنان و دانشجویان ایران  
و عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت  
با حکم بسیار سنگین ۹/۵ سال زندان!

سرکار خانم «شیوا نظراهاری» هم از برجسته‌ترین فعالان حقوق بشر و حقوق زنان ایران، عضو هیات موسس، دبیر سابق و سخنگوی فعلی «کمپین گزارشگران حقوق بشر» و فعال دفاع از زندانیان سیاسی است. و در جمع‌های دیگری از قبیل: کمپین یک میلیون امضا و ... هم حضوری فعال دارد. و فعالیت‌های زیادی هم در راستای دفاع از حقوق کودکان و رسیدگی به کودکان فقیر داشته است. که به این لحاظ به جرات باید ایشان را یک فعال حقوق بشر بسیار ارزشمند به شمار آورد. همچنین به دلیل همین فعالیت‌ها هم دانشجوی ستاره‌دار شده و از ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته

مهندسی عمران محروم شده است. و از سال ۸۱ تا کنون به کرات بازداشت شده و در برخی موارد دست به اعتصاب غذا زده است. و متأسفانه از آذر سال ۱۳۸۸ تا به امروز (مرداد ۱۳۸۹) هم تنها به دلیل قصد شرکت در مراسم ختم آیت-الله منتظری بازداشت شده و در شرایط نامساعدی و به صورت بلا تکلیف در زندان به سر می-برد.



خانم «شیوا نظر آهاری»  
فعال برجسته حقوق بشر ایران

و مجامله نخواهد بود اگر گفته شود همینان امروزه در خطوط مقدم مبارزات زنان ایران قرار دارند. و به خصوص از انتخابات خرداد ۱۳۸۸ بیشترین هزینه-ها را داده-اند. چنانکه تا زمان نگارش این مطلب در حالیکه بسیاری از زندانیان سیاسی آزاد شده-اند، اما متأسفانه اینان کماکان در شرایط نامناسبی در زندان باقی مانده-اند. به امید آزادی تمامی زندانیان سیاسی...

### دیدگاه دکتر مصدق در مورد جایگاه و فعالیت اجتماعی زنان

روشن است که دکتر مصدق در ایران به عنوان نماد و سمبل دموکراسی مطرح است. و مباحثی چون حقوق زنان و ... بیشتر دارای نمادهای فرهنگی هستند. اما به جرات باید گفت که دکتر مصدق یکی از قدیمی-ترین کسانی است که از زمان مشروطه و در آن بافت سنتی ایران مدافع حقوق زنان بوده است. تا جائیکه از همان زمان زنان ایرانی را «ملکه خانه» خطاب می-کرده است. که چنین دیدگاهی در جامعه آن روز بسیار قابل توجه خواهد بود. چراکه در آن هنگام دیدگاه اکثریت مطلق روحانیون به زنان چنان بوده که بدون اجازه شوهر حتی حق خروج از منزل را هم ندارند. و باید از «روبند» استفاده کرده و عملاً تحت قیمومت مردان باشند. و در دربار شاهان هم عملاً نگاه کالای مصرفی به زنان وجود داشته و چند همسری بسیار عادی بوده است.

به عنوان مثال برخی شاهان قاجار حرمسرا داشته و بعد هم که این مساله هم از بین رفته بود، چند همسری عادی بوده است. مثلاً رضاخان در سن ۵۰ سالگی در مقام سردار سپهی و با داشتن زن و چند فرزند، باز هم با یک دختر ۲۰ ساله ازدواج کرده بود. و بعد از طلاق دادن او هم مجدداً با دختر دیگری با سن کمتر از ۲۰ ازدواج کرده بود [3]. و یا همین رضاخان قبل از اولین ازدواج دائمش، زن دیگری را هم صیغه کرده و دختری هم از او داشته است. اما این مساله و آن دختر را حتی به همسرش هم اطلاع نداده بود. همچنین عملکرد محمد رضا شاه در بی بند و باری شدید و حتی مسائل بعضی درباریان او و ... هم، بی-نیاز از بحث هستند. که از همینجا هم تفاوت دکتر مصدق به عنوان نماد آزادی ایران، با شاهان و مستبدان تاریخ معاصر به روشنی قابل درک است.

از این گذشته دکتر مصدق از همان زمان به شدت خواهان دخالت زنان در امور اجتماعی و سیاسی بوده است. و چنان زنانی را به شدت ستایش می-کرده است. تا جائیکه در تاریخ 22 اوت ۱۹۰۹ (۳۱ مرداد ۱۲۸۸ ه.خ) در مصاحبه-ای با یک بانوی خبرنگار فرانسوی با نام «رنه ویبه یار» و نام مستعار «آ.د. روشیرون» چنین گفته بود:

الس: وضعیت زنان در ایران چگونه است؟

ج: [دکتر مصدق] زن در مملکت ما همان موقعیتی را دارد که قرآن برایش تعیین کرده. همین با این حال زنان ما عروسک-های توخالی و بوالهوس نیستند. زن ملکه خانه است " [4] او بیشتر مادر است تا همسر، و در طول این سالهای آشفته توانستیم او را در عمل ببینیم. برای اینکه تمامشان، از هر طبقه-ای، از مشروطیت پشتیبانی کردند و به آن علاقه-مند بودند. قهرمانانی داریم شایسته افسانه-های زنان پارت و با احترامی زیاد، می-توانم از عمه محمد علی شاه یاد کنم که با نگاهی مغرور و بدون تاجر، سربازان غارتگر و گستاخ برادرزاده-اش را نظاره می-کرد که در مقابلش تمام یادگارهای با ارزش محل اقامتش را ویران کردند. او در مقابل خرابه-های کاخش اشکی هم نریخت. در جریان انقلاب با افتخار سر بلند ماند. همه را به فرانسوی ها بگوئید. نه برای تمجید از ما اما برای اینکه ما دوستی و احترام آنها را می-خواهیم [5]. "

و بی نیاز از بحث است که چنین سخنانی در اوائل مشروطه تا چه حد ارزنده بوده و این اعتقادات همواره با دکتر مصدق مانده بودند. چنانکه بعدها هم در پیام-های مبارزاتی-اش عموماً از مردان و زنان به طور توأم می-خواستند که در مسیر مبارزه باشند. و مثلاً گفته بود:

"خواهانم به همت افراد وطن-پرست از زن و مرد روزی برسد که ملت ایران بتواند آزادی و استقلال از دست رفته خود را به دست آورد و خود را در ریف دول مستقل و آزاد قرار دهد و آن روز است که ما می-توانیم به یکدیگر تبریک بگوئیم و اظهار شادی کنیم [6]. "

و یا آخرین دفاع وی در دادگاه نظامی چنین بوده است:

"چون از مقدمات کار و طرز تعقیب و جریان دادرسی معلوم است که در گوشه زندان خواهم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه در کار خیر بکار برده-ام خاموش خواهند کرد و دیگر جز این لحظه نمی-توانم با هم وطنان عزیز صحبت کنم از مردم رشید و عزیز ایران مرد و زن تودیع می-کنم و تاکید می-نمایم که در راه پرافتخاری که قدم برداشته-اند از هیچ حادثه-ای نهراسند و یقین بدانند که خدا یار و مددکار آنها خواهد بود [7]. "

و همین موارد هم نشان واضحی از آن دارد که وی تا چه حد به فعالیت اجتماعی زنان اهمیت می-داده است.

**نظرات دکتر مصدق در مورد برابری حقوق زنان و مردان، چند همسری، اخلاق مردان و تقسیم ارث بین زنان و مردان**

دکتر مصدق اعتقاد محکمی به برابری حقوق زنان و مردان داشته تا جائیکه این مساله را از سال ۱۹۱۴م (۱۲۹۳.ه.خ) در رساله دکترایش مطرح کرده و می-نویسد:

... "امروز طبقات تعلیم یافته فهمیده-اند که باید مساوات اخلاقی بین جنسهای مختلف برقرار باشد [8]. "

که به این ترتیب طبیعی است که به شدت هم مخالف بحث چند همسری مردان باشد. و برای همین مساله هم در رساله دکترایش می-نویسد:

"باری اگر این طور در نظر گرفته شود که یک زن باید فقط به یک مرد تعلق داشته باشد و نباید با چندین مرد رابطه پیدا کند عدالت حکم می-کند که یک مرد هم فقط با یک زن رابطه داشته باشد. ... تعدد زوجات آثار ناهنجاری دارد [9]. "

...!بالاخره بر خلاف دکترین مذهبی است که ادعا شود تعدد زوجات خواست خواست قانون موسی و حقوق اسلامی، با قرار خود مسلمانان، در واقع از یک منبع الهی مشترک سرچشمه می-گیرند، بنابراین چگونه می-توان گفت که خداوند در همان سرزمین-ها برای عده-ای تعدد زوجات و برای دیگران از دواج فردی را خواسته است. بعلاوه توضیح داده شد که قرآن موجب تعدد زوجات نبوده بلکه برعکس تعداد زنان را که قبلاً نزد مردم عرب غیر محدود بود محدود کرده است [10]. "

که چنین سخنانی در سال ۱۹۱۴م و آن هم از سوی یک مرد در آن بافت سنتی جامعه ایران بسیار قابل توجه خواهند بود.

اما جالب آنجاست که با نگاهی به تاریخ روشن است که کمتر دیده شده که گفته شود دکتر مصدق از کسی نفرت داشته است. چراکه او با دشمنانش هم خیلی با مدارا رفتار می‌کرده است. اما با تمام این تفاسیر یکی از مواردی که مورد نفرت شدید دکتر مصدق قرار داشته، بحث چند همسری مردان و ازدواج مجدد آنها بوده است.

به عنوان مثال در یک مورد وقتی متوجه شده مردی که در دفتر او کار می‌کرده، زن جوانی گرفته به سرعت واکنش نشان داده و علاوه بر اخراج او از دفترش، حتی دستور داده بود که حقوق او را هم به همسر اولش بپردازند. مرحوم «نصرت الله خازنی [11]» در این مورد در خاطراتش اشاره دارد که دکتر مصدق در این مورد چنین گفته است:

*آقای خازنی من دروغ را از هیچ کس نمی‌بخشم. این دروغ گفته ثانیاً هوس زن جوان کرده، این زن، جوانی و عمرش را در این خانه گذاشته، با فقر و بختی‌اش گذرانده، حالا او رفته زن دیگری گرفته!*

از کسانی که چند تا زن داشتند خیلی بدش می‌آمد، اصلاً از اینها متنفر بود، مخالف شدید آنها هم بود. گفت دستور بده که حقوقش را به خانم اولش بدهند به خود او ندهند [12]."

که بیان چنین سخنانی و بحث نفرت و ... از کسی به سان دکتر مصدق بسیار قابل تعمق می‌باشد. چراکه به جرات باید گفت خیلی کم دیده شده که کسی بحث نفرت، دشمنی و ... را از دکتر مصدق شنیده باشد.

ضمناً همین مساله هم یکی از مباحثی است که مورد انتقاد برخی گروه‌های تندرو مذهبی از قبیل «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» قرار داشته است. چنانکه در این مورد در بحث ضعف رهبری دکتر مصدق نوشته‌اند:

*۱- عدم حاکمیت ایدئولوژی بر رهبری: هم چنانکه قبلاً نیز ذکر شد، مصدق با وجود مسلمان بودن (مسلمان سنتی)، مسلح به جهان بینی توحیدی نبوده و به ایدئولوژی اسلام بعنوان یک مکتب حاکم بر اعمال فردی و اجتماعی، ایمان نداشت. از قرار معلوم رساله‌ای در رد تعدد زوجات نوشته است و این نشانگر عدم عمق و آگاهیهای لازم از اعتقادات اسلامی و عدم شناخت نسبت به کم و کیف مساله تعدد زوجات میتواند باشد. بهمین دلیل شعار دین از سیاست جداست را مطرح کرده و صریحاً از مداخله پیشوایان دینی در امور سیاسی اظهار نارضایتی میکرد [13]."*

با این خصوصیات دکتر مصدق طبیعی بود که تمام تلاش عمال انگلیس و دربار برای پیدا کردن نقطه ضعف اخلاقی از او به هیچ نتیجه‌ای نرسد. و جالب است که انگلیسی‌ها از سال‌ها قبل در دوران جنگ جهانی اول و هنگام تحمیل قرارداد ننگین ۱۹۱۹، در صدد برآمده بودند که نقطه ضعف اخلاقی از دکتر مصدق بگیرند. چراکه وی از اولین کسانی بود که به شدت علیه قرارداد ۱۹۱۹ موضع گرفته بود و به جوامع جهانی در این مورد اعتراض می‌کرد. لذا انگلیسی‌ها در آن شرایط خانمی را به نزد وی در سوئیس فرستاده بودند که با وی ارتباط برقرار کرده و کسب خبر کند. اما به دلیل آنکه مصدق به اخلاق بسیار مقید بوده، موفق به هیچ کاری نشده بودند. در این مورد در خاطرات دکتر مصدق می‌خوانیم:

*"یک روز دیدم که یک خانم شیک و خوشگل و بلند بالا، که خیلی، بله شیک و شنگ بود، آمده همسایگی من اتاق گرفته. نوشتاتل شهر تحصیلی سوئیس بود. جای این جور خانم‌ها نبود. یک روز آمدم ایوان، دیدم آن خانم آنجاست، خیلی گرم گرفت و به من گفت:*

*Est-ce-que vous valez fumer ce soire? [14]*

*Pardon madame, je suis malade, je suis tr'es occup'e, je suis fatigu'e Excusez moi, je n' ai pas le temps " [15]*

و جالب آنجا است که دکتر مصدق زمستان هم به کوه‌های سوئیس رفته و باز آن خانم را آنجا دیده بود [16]!

ضمناً دکتر مصدق ارث بین فرزندان دختر و پسرش را هم به نسبت مساوی تقسیم کرده بود [17]. البته برخی به اشتباه به این اشاره می‌کنند که دکتر مصدق در رساله دکترایش تساوی ارث زن و مرد را ذکر کرده است. که این اشتباه است چراکه

وی در آن رساله تنها به بررسی متون اسلامی پرداخته است. و در مواردی هم که برابری زن و مرد را بیان کرده، تنها در پانویس رساله و نه در خود آن بوده است [18].

همچنین وی در همان رساله سن بلوغ برای زنان و مردان را ۲۱ سال اعلام کرده و بحث ۹ سال برای زنان و ۱۵ سال برای مردان را رد کرده است [19]. لازم به ذکر است که این رساله بنا به خواست و تصویب دانشگاه سوئیس بوده و تنها حاوی تحقیقاتی در مورد دین اسلام است. و عجا که دکتر مصدق به دلیل همین رساله هم بارها در دادگاه نظامی شاه با اتهام بی دینی روبرو شده بود. تا جائیکه به ناچار شهادتین را ادا کرده بود. و مشابه همین مساله امروز هم از سوی برخی نیروهای مذهبی تکرار می‌گردد. اما باید خاطر نشان ساخت که آن رساله جهت شناخت وصیت در دین اسلام است. و خود دکتر مصدق اظهار نظر شخصی در آن نداشته است.

### دیدگاه دکتر مصدق در مورد حجاب زنان

دکتر مصدق با قاطعیت تمام مخالف کشف حجاب اجباری و زورگویی به مردم بوده است. چنانکه به اقدام رضاخان اعتراض کرده و گفته بود:

"هیچکس با کشف حجاب مخالف نبود ولی من مخالف بودم [20]".

که این مساله نشانگر دید آزاداندیشانه اوست. اما همو به لحاظ شخصی به حجاب اعتقادی نداشته و به همراه خانواده‌اش حتی قبل از کشف حجاب رضاخان، اقدام به کشف حجاب کرده بودند. چنانکه در این مورد می‌گوید:

"...قبل از آنکه بانوان محترم کشف حجاب کنند من در اروپا با خانواده خودم کشف حجاب کردم [21]"

و در عین حال او معتقد بود که این مسائل باید با کار فکری و آرام و بدون زورگویی صورت گیرد. و باز هم در این مورد گفته بود:

"...کشف حجاب باید به واسطه اولسیون و به واسطه تکامل اهل مملکت باشد نه به واسطه یک کسی که یک قدرتی پیدا کرده [22]".

و یا:

"اگر به تدریج که دختران از مدارس خارج می‌شدند حجاب رفع می‌شد چه می‌شد؟ رفع حجاب از زنان پیر و بی تدبیر چه نفعی برای ما داشت؟ [23]"

و به همین دلایل هم بود که در دوران قدرت او هرگز از جانب دولت برای کسی بابت باحجابی یا بی‌حجابی مزاحمت ایجاد نشده بود. البته ظاهراً «نواب صفوی» رهبر فدائیان اسلام بعد از روی کار آمدن دولت مصدق پیشنهادی چهار ماده‌ای توسط «عراقی» نزد مصدق فرستاده است. و از او خواسته بود که نماز جماعت در ادارات و وزارت‌خانه‌ها و حجاب در سراسر کشور اجبار گردد و مشروبات الکلی ممنوع و زنان از ادارات اخراج گردند. اما مصدق به هیچ وجه زیر بار نرفته و اعلام می‌کند که برنامه دولت او بر اساس ملی شدن نفت و انتخابات آزاد است [24]. و همین مسائل هم سبب دشمنی شدید فدائیان اسلام با دکتر مصدق شده بود. تا آنجا که از همان اوائل کار او را به ترور تهدید کرده و دکتر مصدق حتی مدتی هم مجبور شده بود که در مجلس تحصن کند. و بعدها هم دشمنی شدید فدائیان اسلام با وی ادامه داشت. و همانها در کودتای ۲۸ مرداد و حتی تا مدت‌ها بعد از کودتا هم به شدت با دکتر مصدق دشمنی می‌کردند.

### تلاش برای اعطای حق رای به زنان در دولت دکتر مصدق

دولت دکتر مصدق اولین دولتی بود که در صدد برآمده بود تا به زنان ایران حق رای اعطا کند [25]. و جرات کرده بود این مساله را مطرح کند. اما بلافاصله با مخالفت شدید روحانیون برجسته مواجه شده بود. و لذا حق رای زنان موقتاً ناکام مانده و

با وقوع کودتای ۲۸ مرداد تا حدود ۱۰ سال بعد هم راکد مانده بود. ذکر این نکته هم لازم است که در آن شرایط بحث اعطای حق رای به زنان به منزله اعلام جنگ به روحانیون تلقی می‌شد. اما دکتر مصدق به طور غیر مستقیم تلاش کرده بود که این مساله را بیازماید که با شکست مواجه شده بود. جریان هم از این قرار بود که در اوایل آذر ۱۳۳۱ دولت لایحه قانون انتخابات را توسط «دکتر شایگان» و برای اظهار نظر مردم مطرح کرده و طبق قانون و مشابه گذشته بانوان و برخی دیگر را از رای دادن محروم کرده بود. اما ظرف مدت کوتاهی دکتر شایگان رئیس کمیسیون انتخابات در مصاحبه با خبرنگار اطلاعات موضع مهمی را اتخاذ کرده [26] و حق رای بانوان را به نظر مردم منوط کرده بود. و تاکید کرده بود که اصلاً انتشار پیش نویس قانون انتخابات برای اصلاح مشکلات آن است و گفته بود:

"*اولت باید مملکت را روی اصول دموکراسی اداره کند زیرا قانون اساسی ما مربوط به یک کشور مشروطه و دموکرات است بنابراین اگر اکثریت مردم خواهان آن باشند که بانوان هم در انتخابات شرکت کنند البته دولت قانون انتخابات را به همین نحو اصلاح خواهد کرد و بدیهی است در صورت ایراز علاقه اکثریت مردم آقای دکتر مصدق نیز خواهان شرکت بانوان در انتخابات عمومی خواهد بود. اصولاً قانون مذکور برای اظهار نظر ملت ایران انتشار یافته و دولت خواسته است هر عیب و نقصی که مردم در آن می‌بینند متذکر شوند و دولت را برای اصلاح آن عیوب ارشاد نمایند [27]."*

که این سخنان هم به هیچ وجه مورد تکذیب دکتر مصدق قرار نگرفته بود. و نشان روشنی از آن داشت که دولت در صدد است که به زنان حق رای اعطا کند. همزمان هم بانوان بسیاری خواهان حق رای شده و تبلیغات زیادی بر این مساله صورت می‌گرفت. که با واکنش عملی مثبت دولت روبرو شده بود. اما متأسفانه این مساله بلافاصله مورد مخالفت شدید روحانیون قرار گرفته بود. و بیش از همه هم «آیت‌الله بهبهانی» در برابر آن موضع گرفته بود. او طی نامه‌های جداگانه به شاه، دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی جداً خواستار آن شده بود که دولت از این خیال منصرف گردد [28]. و حتی دولت را به بلوا در بازار تهدید کرده بود. و تلگرافی هم از قم به رئیس مجلس کاشانی ارسال شده و به عصبانیت شدید مردم قم و حتی آیت‌الله بروجردی از این مساله اشاره شده بود [29].

البته اقدامات آیت‌الله بهبهانی به این حد هم ختم نشده و در این مورد از روحانیون برجسته نظرخواهی کرده بود که آیت‌الله بروجردی در پاسخ وی نوشته بود:

"*اگرچه اولیاء امور متوجه به این معنی بوده و هستند لکن نظر به آنکه همین قسم که مرقوم داشته‌اند ممکن است بعیداً که بعضی زرمه‌ها تأثیری داشته باشد، مستدعی است تذکر دهید که در کشور اسلامی امری که مخالف احکام ضروریه اسلام است ممکن‌الاجرا نیست. دوام تائیدات جناب مستطاب عالی را از خداوند عز‌شأنه مسئلت می‌نمایم. حسین الطباطبائی [30]."*

که با این موضع قاطع آیت‌الله بروجردی عملاً دولت از هر اقدامی ناتوان گردیده بود.

در عین حال برخی روحانیون برجسته دیگر از قبیل «آیت‌الله صدر» و «آیت‌الله حجت» هم در پاسخ بهبهانی در این مورد به صراحت موضع گرفته و این اقدام را حرام دانسته بودند. و برخی دیگر از جمله «جامعه اهل منبر تهران» هم اعلام کرده بود که هر مسلمان متدین جعفری شدیداً از قیام جماعت نسوان و تقاضای بانوان برای رای دادن در انتخابات شورا معترض و کاملاً ناراضی است. و «وعاظ تهران» نیز با استناد به فرمان صریح حضرت آیت‌الله العظمی آقای بروجردی و سایر آیات بزرگ الهی در مورد حرمت ورود زنان در انتخابات، خواهان آن شده بودند که این فرمان عملی گردد [31].

در نهایت هم بهبهانی در زیر پاسخ مراجع، نامه‌ای به مجلس ارسال کرده و به صراحت تاکید کرده بود که دخالت زنان در امر انتخابات حرام و غیر جایز است [32]. که دولت هم با این موضع شدید نیروهای مذهبی نتوانسته بود حق رای به زنان اعطا کند. و این مساله تا حدود ۱۰ سال بعد هم راکد مانده بود. تا آنکه آیت‌الله بروجردی فوت شده و بعد از آن شاه توانسته بود به زنان به ظاهر حق رای دهد. اما در هر حال همین اقدام دولت دکتر مصدق نشانگر آن است که وی از اولین کسانی است که خواهان اعطای حق رای به زنان بوده است و اگر شرایط جامعه آرام می‌شد، این احتمال وجود داشت که زنان نیز با رای اکثریت مردم صاحب حق رای گردند.

ضمناً لازم به ذکر است که آیت الله بهبهانی از دشمنان دکتر مصدق بوده و تلاش‌های شدیدی برای براندازی دولت دکتر مصدق انجام داده بود. و شاه هم به محض پیروزی کودتا برای وی پیام ارسال کرده بود. همچنین به نظر می‌رسد که بحث حق رای زنان موجب کدورت‌هایی بین هواداران آقای بروجردی و دکتر مصدق شده بود [33]. و باید به این نکته اشاره گردد که آیت‌الله بروجردی هم بعد از کودتای ۲۸ مرداد برای شاه پیام تبریک ارسال کرده و اظهار امیدواری کرده بود که بازگشت شاه موجب اصلاح مفاسد دینی و عظمت اسلام و آسایش مسلمین باشد [34].

## احترام دکتر مصدق برای زنان

صرف نظر از مسائلی چون حقوق برابر زنان و مردان و بحث اخلاق و ...، به جرات باید گفت که دکتر مصدق احترام خاصی برای بانوان قائل بوده است. او در خانواده خودش این مورد را به حد کمال رسانده بود. چنانکه در زمانی که کمتر اسم زنان در مجامع عمومی مطرح می‌شد، رساله‌اش را به مادرش تقدیم کرده بود. ن [35] و بارها تاکید کرده بود که راهنمای بخش مهمی از زندگی او این جمله مادرش است که گفته: ارزش هر فرد در اجتماع به میزان شدائی (سختی-هائی) است که در راه مردم تحمل می‌کند.

یا در فرهنگی که مدام این ارزش تبلیغ می‌شد که مرد باید چندین سال از همسرش بزرگتر باشد، او سه سال از همسرش هم کوچک تر بود. و با نهایت احترام و دوستی با او برخورد می‌کرد. چنانکه مرحوم خازنی به عنوان شاهد عینی این مساله می‌گوید:

"اس: [دکتر مصدق] با خانم خود چگونه رفتار می‌کرد؟"

آقای دکتر خیلی به ایشان احترام می‌گذاشت. خانم ضیاءالسلطنه سه سال از دکتر مصدق بزرگتر بود [36]. "

و به تعبیر خانم «شیرین سمیعی» این دو در تمام عمر با صلح و صفا با هم زندگی کرده بودند [37]. و درد آور است که بدانیم دکتر مصدق در تبعید و زندان تنها یک بار از شاه درخواست رفتن به تهران داشته است. که آن هم برای دیدن همسرش بوده که در بستر بیماری افتاده بود. اما دیکتاتور حتی با این مساله هم موافقت نکرده بود و همسر دکتر مصدق در تهران فوت کرده بود. که این مساله موجب ناراحتی شدید دکتر مصدق شده بود [38].

علاوه بر اینها وی با عروسش خانم «شیرین سمیعی» نیز روابط بسیار خوبی داشته است. خانم سمیعی با آنکه با پسر دکتر مصدق مشکل داشت و مدتی بعد از فوت دکتر مصدق هم از او جدا شد، اما روابط دوستانه و بسیار خوبی با دکتر مصدق داشت. تا جائیکه حتی به خواست او بر سر زندگی برگشته و به نزد دکتر مصدق رفته بود. و بعد از انقلاب هم کتابی با عنوان «در خلوت مصدق» به چاپ رسانده است. که حاوی تعریف‌ها و مطالب جالبی از دکتر مصدق است. که این هم نشانگر آن است که دکتر مصدق چه احترامی برای وی قائل بوده است و چقدر روابط آنها دوستانه بوده است.

## بوسیدن دست «ملکه ثریا»

دکتر مصدق اکراه خاصی از دست بوسی داشت. هرگز دست شاه را نبوسیده بود. و به هیچ وجه هم اجازه نمی‌داد کسی دست خودش را ببوسد [39]. اما جالب است که در همان حال دست ملکه ثریا را بوسیده بود. و این مساله بیانگر آن است که او همان قدر که برای مقام زن بودن و ملکه ارزش قائل بوده، حاضر به دست‌بوسی و کرنش در برابر صاحبان قدرت همچون شاه نبوده است. البته لازم به ذکر است که بوسیدن دست زنان در بسیاری از کشورهای غربی امری تشریفاتی و رایج در مراسمات بوده و نشانگر احترام برای زنان است.





دکتر محمد مصدق در حال بوسیدن دست ملکه ی ثریا

که این مساله نشانگر احترام خاص دکتر مصدق برای بانوان است  
چراکه وی هرگز حاضر نشده بود دست شاه را ببوسد و  
اجازه هم نمی داده که کسی دست او را ببوسد و اگر  
خاصی از دست بوسی داشته است.

### یادی از شهید «پروانه فروهر» نماد «زنان مبارز ایرانی» و نگاهی به نظرات او در مورد دکتر مصدق

تردید نیست که برجسته‌ترین زن مبارز تاریخ معاصر ایران زنده یاد شهید «پروانه فروهر» است. که به همراه همسرش شهید «داریوش فروهر» حدود ۵۰ سال از زمان دولت ملی دکتر مصدق در خطوط مقدم مبارزه ملت ایران بوده و در حزب ملت ایران به فعالیت پرداختند. و در نهایت هم همو از مواردی استثنائی است که به همراه همسرش به وضعی بسیار وحشیانه و با ضربات فراوان چاقو به شهادت رسیده بود. و کمترین مجامله‌ای نخواهد داشت اگر بگوئیم که وی نماد زنان مبارز آزادی‌خواه ایران است. چراکه تاریخ معاصر ایران تا به امروز شیرزنی به سان او ندیده که حدود ۵۰ سال در خطوط مقدم مبارزات آزادی‌خواهانه و در رده‌های بالای تشکیلاتی باشد. و به چنان وضع وحشیانه‌ای و آن هم در حالت بیماری و با ضربات متعدد چاقو به شهادت برسد.



شهید «پروانه فروهر»  
نماد زنان مبارز ایرانی

او که درس مبارزه برای آزادی و آزادی را در مکتب دکتر مصدق آموخته بود، در این مورد چنین می‌گوید:

... "از او [مصدق] سخن گفتن تاریخ را ورق زدن است تاریخ کمتر کسی را به یاد دارد چونان او پاک و عاشقانه در راه آزادی جان‌گذاری کند و بخش عمده‌ای از عمرش را در راه آزادی در زندان و تبعید... و پس از مرگ استخوانهایش در زنجیر استعمار و استبداد... برای چنین انسانی که به بهای زندگی خود آرمانهای ملتش را واقعیت بخشد دیگر مرگ سرچشمه عدم نیست. جویباری است که در دیگران جریان می‌یابد..."

که به نظر نگارنده این یکی از بهترین و زیباترین تعبیرها در مورد دکتر مصدق می‌باشد. و همو و در جای دیگر می‌گوید:

"ناسیونالیسم دموکراتیک ایران از هیچ اسطوره و نمادی توانمند تر از مصدق برخوردار نیست."

و راه او را هم راهنمایی آزادی-خواهان ایران خوانده و می‌گوید:

[مصدق] راهگشای آینده شد و برای تمامی آرمانخواهان پس از خود، نظم و ارزشی جاودانه به دست داد..."

که این جملات از زبان شیرینی که به حق نماد زنان مبارز تاریخ معاصر ایران است، به خوبی گویای آن است که مبارزات ملی دکتر مصدق تا چه حد در وی تاثیر داشته است. نکته بسیار جالب دیگر آن است که دکتر مصدق در مورد ازدواج وی و داریوش فروهر این تعبیر را به کار برده بود:

"خداوند نجار نیست ولی درب و تخته را خوب بهم وصل می‌کند [40]"

که این تعبیر زیبا در مورد زن و شوهری که به حق نماد ایستادگی و مبارزه در راه آزادی ایران هستند، بسیار جالب توجه است. و نشان روشنی از آن دارد که زنان مبارز به سان پروانه تا چه حد مورد توجه دکتر مصدق قرار داشته‌اند.

همچنین ذکر این نکته هم لازم است که بسیاری دیگر از بانوان برجسته تاریخ معاصر ایران نیز احترام خاصی برای دکتر مصدق قائل هستند. به عنوان مثال خانم «شیرین عبادی» بزرگ بانوی ایرانی و نخستین ایرانی «برنده جایزه صلح نوبل» کتابی با عنوان «ایران من» منتشر کرده که شامل خاطراتش است. و اینگونه آغاز می‌گردد:

«مادر بزرگ مهربانم که هرگز صدایش را سر ما بلند نکرده بود، یک شب، نوزدهم سال ۱۹۵۳ [41]، مجبران کرد. من اولین بار بود که می‌دیدم او بذله‌گویی خود را کنار گذاشته است. ما گوشه‌ای از اتاق پذیرایی نیمه تاریک که با چراغ نفتی روشن شده بود بازی می‌کردیم. مادر بزرگم به ناگهان سرش را به سمت ما برگرداند و گفت: «ساکت شین!» سال قبل از آن مدرسه را شروع کرده بودم. با خانواده، تابستان را در خانه بزرگ پدري در همدان، شهری در شمال غربی ایران، می‌گذرانیدیم آنجایی که پدر و مادرم بزرگ شده بودند. مادر بزرگم، باغی در همان نزدیکی‌ها داشت. ما بچه‌ها در آنجا جمع می‌شدیم و قایم‌باشک‌بازی می‌کردیم. بعد از شام هم در میان درختان میوه، با بزرگترها به رادیو گوش می‌دادیم. آن شب کاملاً یادم هست. با دست‌های کثیف و خاک‌آلود به خانه برگشته بودیم. لباس‌های مان پر از لک و پیس بود.

بزرگترها مثل همیشه نبودند. اینقدر غیر معمولی بودند که حتی متوجه کثیفی ما نشدند.

آن‌ها در گوشه‌ای، دور رادیوی باتری‌ای نشسته بودند. نزدیکتر از حد معمول. ظرف خرما و پسته روی میز کوچک خانه دست‌خورده باقی مانده بود. یک صدای لرزان خبر از سقوط دکتر محمد مصدق و کودتا بعد از چهار روز بحران در تهران می‌داد.»

که روشن است چقدر ایشان بر کودتای ننگین ۲۸ مرداد تاکید دارد. همچنین ایشان در سخنرانی‌اش در جلسه معارفه این کتاب در سوئد هم دکتر مصدق را به عنوان کسی معرفی کرده است که مردم ایران او را یک قهرمان ملی می‌دانستند. و به کودتای ۲۸ مرداد و نقش آن در انقلاب ۱۳۵۷ اشاره دارد. و حتی به صراحت تمام مشکلات امروز ایران را هم ناشی از همان کودتای ننگین ۲۸ مرداد دانسته و می‌گوید:

"همواره از خود می‌پرسم که اگر این کودتای نظامی اتفاق نمی‌افتاد، آیا ایران من دچار چنین وضعیت و شرایطی مانند امروز می‌بود؟"

یا ایشان در مراسم ختم شادروان دکتر «پرویز ورجاوند» سخنگوی فقید جبهه ملی حضوری فعال داشته و حتی در بخشی از مسیر هم تابوت دکتر ورجاوند بر روی دوش بانوانی چون خانم عبادی حمل شده بود. و خانم عبادی هم در سخنرانی در آن مراسم از دکتر ورجاوند به عنوان شاگرد مکتب مصدق نام برده و تجلیل کرده بود. و موارد دیگری هم وجود دارند که که ذکر آنها از فرصت این مطلب خارج هستند.

یا نگارنده نگارنده شخصاً بزرگ بانوی شعر معاصر ایران خانم «سیمین بهبهانی» [42] «و یا خانم «بهاره هدایت» را در مراسمات سالگرد دکتر مصدق در احمدآباد دیده است. نویسنده برجسته معاصر ایران خانم «سیمین دانشور» هم رمان معروف و پر فروشش با نام «سوشون» را با نظر به دکتر مصدق نوشته است. قهرمان داستان او هم کسی است که از طبقه نسبتاً مرفه بوده اما به مردم خدمت می‌کند. و عجباً که قهرمان داستان او هم در ۲۹ مرداد فوت می‌کند. البته در ابتدا قرار بوده که در ۲۸ مرداد فوت کند اما به خواست همسرش «جلال آل احمد» این تاریخ را به ۲۹ مرداد تغییر داده بود [43]. و خانم «صدیقه دولت-آبادی» از برجسته‌ترین فعالان حقوق زنان هم از سال ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از طرفداران عقیده استقلال طلبانه دکتر مصدق بود. و از بانوان همراهش هم خواهان خرید قرضه ملی و کمک به دولت شده بود [44]. و در مورد حق رای زنان هم با دکتر مصدق مکاتبه کرده بود. که در قبل دیدیم متأسفانه به دلیل شرایط بحرانی کشور و مخالفت شدید روحانیون این کار در آن زمان متوقف شده بود. و موارد فراوان دیگری که ذکر آنها در این مبحث نمی‌گنجد.

### فیلم « زنان بدون مردان» به کارگردانی خانم «شیرین نشاط»

در نهایت به عنوان حسن ختام این مطلب بد نیست به این هم اشاره گردد که اخیراً فیلمی هم به نام « زنان بدون مردان» به کارگردانی خانم «شیرین نشاط» ساکن آمریکا ساخته شده است. که این نیز در راستای مبارزه برای حقوق زنان و به تصویر کشیدن تلاش‌های زنان برای احقاق حقوقشان است. که کارگردان محترمش آن را در مبارزات زنان در حوادث منتهی به ۲۸ مرداد به تصویر کشیده و به این طریق، هم بحث حقوق زنان و هم بحث از بین رفتن دموکراسی و آزادی در ایران و مقابله زنان با این پدیده را نشان داده است. و به همه خوانندگان محترم توصیه می‌گردد به تماشای آن بپردازند.

در اینجا این مجموعه را به امید آزادی و دموکراسی و احقاق کامل حقوق زنان و ادای احترام به تمامی مبارزان در بند حقوق زنان به پایان می‌برم. امید آنکه در آینده نزدیک شاهد آزادی تمام زندانیان سیاسی و به خصوص فعالان حقوق زنان باشیم.

به کوشش: حمید رضا مسیبیان [hamosaieb@yahoo.com](mailto:hamosaieb@yahoo.com)

## یادداشت

- [1] این مقاله، متن تحریر شده نکات اصلی سخنرانی سرکار خانم دکتر «نیره توحیدی» است. که در «کانون دوستداران فرهنگ ایران» در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۰ ایراد شده است
- [2] البته یکی از دوستان خانم دکتر توحیدی به اشتباه گفته که دکتر مصدق کار خاصی برای زنان و حق رای آنها نکرده است. که در صفحات بعد دیدگاه دکتر مصدق در مورد زنان و اقدامات او را خواهیم دید.
- [3] رجوع شود به کتاب همسران رضاشاه، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و همچنین مقاله آقای سید عبدالمجید زواری؛ دانشجوی روابط بین الملل (سایت باشگاه اندیشه)
- [4] متن فرانسوی جمله زن ملکه خانه است، چنین است *la femme est la reine du foyer* :
- [5] مصدق و مسائل حقوق و سیاست، گردآوری ایرج افشار، انتشارات نشر سخن تهران، چاپ اول / 1382 صص ۳۲۴-۳۲۳ نقل از مصاحبه خانم «رنه و بیه یار» با دکتر مصدق با عنوان «مصاحبه با یک مشروطه خواه ایرانی: محمد مصدق السلطنه که این مطلب بعداً در مطلب «ایران بیدار می‌شود» — «رنه و بیه یار» (سردبیر مجله *La Nouvelle Egypte* مصر نوین) — ویژه مصدق (یادواره پنجاهمین ملی شدن صنعت نفت تشکیل دولت مصدق) هم منتشر شده است.
- [6] نامه‌ها و مکتوبات دکتر مصدق جلد دوم / ص ۲۶۶
- [7] محمد مصدق در محکمه نظامی، به کوشش جلیل بزرگمهر، انتشارات دوستان، چاپ سوم تابستان / 1378 صص ۷۷۹
- [8] برای شناخت نظرات دکتر مصدق در مورد برابری زن و مرد رجوع شود به: وصیت در حقوق اسلامی شیعه، دکتر محمد مصدق (۱۹۱۴)، ترجمه علی محمد طباطبایی، انتشارات زریاب، چاپ اول / ۱۳۷۷ / پانویس صص ۳۰-۳۲
- [9] برای شناخت نظرات دکتر مصدق در مورد برابری زن و مرد رجوع شود به: وصیت در حقوق اسلامی شیعه، دکتر محمد مصدق (۱۹۱۴)، ترجمه علی محمد طباطبایی، انتشارات زریاب، چاپ اول / ۱۳۷۷ / پانویس صص ۳۰-۳۲
- [10] برای شناخت نظرات دکتر مصدق در مورد برابری زن و مرد رجوع شود به: وصیت در حقوق اسلامی شیعه، دکتر محمد مصدق (۱۹۱۴)، ترجمه علی محمد طباطبایی، انتشارات زریاب، چاپ اول / ۱۳۷۷ / پانویس صص ۳۰-۳۲
- [11] زنده یاد «نصرت الله خازنی» رئیس دفتر دکتر مصدق و مسئول حفاظت جان او در دوران نخست‌وزیری و یکی از نزدیک ترین کسان به وی در دوران ریاست دولت بوده که اعمال و رفتار وی را از نزدیک مشاهده کرده است.
- [12] نشریه ایران فردا شماره ۵۳، اردیبهشت ۱۳۷۸، ویژه نامه دکتر محمد مصدق به مناسبت یکصد و هفتمین سالگرد تولدش / گفتگوی آقای هدی صابر با مرحوم نصرت‌الله خازنی رئیس دفتر دکتر مصدق با عنوان ۲۸ ماه طلایی از یک زندگی / ص ۲۱
- [13] نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران، روابط و ریشه‌های اختلاف بین مصدق و کاشانی، بیانیه شماره ۲۳ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به مناسبت سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد، چاپ دوم / ص ۵۰

[14] ترجمه لفظ به لفظ این عبارات در فارسی بسیار زشت است اما شاید در اصطلاح گونه دیگری و دعوت به صرف نوشیدنی باشد.

[15] پاسخ دکتر مصدق آن بوده است که ببخشید خانم، من مریضم، خیلی گرفتارم، خسته هستم، معذرت می‌خواهم وقت ندارم.

[16] رنجهای سیاسی دکتر محمد مصدق، یادداشتهای جلیل بزرگمهر، به کوشش عبدالله برهان، نشر روایت، چاپ اول پائیز ۱۳۷۰ / ص ۳۸.

[17] رجوع شود به مقاله «بی مصدق نمی‌شود ملی بود»، دکتر پرویز داورپناه، به نقل از کتاب خاطرات جلیل بزرگمهر از دکتر محمد مصدق، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳- چاپ گلشن، تهران، صص ۱۱۵ تا ۱۸۱ که به عنوان مثال بخشی از متن نامه دکتر مصدق به بزرگمهر چنین بوده است: «قارپوز آباد دو سهم، یا دو برادر بردارند یا یک برادر و یک خواهر، بهترترتیب که بهتر می‌توانند با هم کنار بیایند» ...

[18] برای شناخت نظرات دکتر مصدق در مورد برابری زن و مرد رجوع شود به: وصیت در حقوق اسلامی شیعه، دکتر محمد مصدق (۱۹۱۴)، ترجمه علی محمد طباطبایی، انتشارات زریاب، چاپ اول ۱۳۷۷ / پانویس صص ۳۰-۳۲

[19] وصیت در حقوق اسلامی شیعه، دکتر محمد مصدق (۱۹۱۴)، ترجمه علی محمد طباطبایی، انتشارات زریاب، چاپ اول ۱۳۷۷ / ص ۱۲۲

[20] سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم ج ۲ / حسین کی-استوان / ص ۷۹

[21] سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم ج ۲ / حسین کی-استوان / ص ۷۹

[22] سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم ج ۲ / حسین کی-استوان / ص ۷۹

[23] سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم ج ۱ / حسین کی-استوان / ص ۳۴

[24] نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، علی رهنما، نشر گام نو، چاپ اول / ص ۴۶۹

[25] تعداد کمی از نمایندگان در مجلس دوم در اوایل مشروطه هم مباحثی بابت اعطای حق رای به زنان مطرح کرده بودند. اما این مساله با مخالفت شدید روحانیونی به سان «مدرس» به سرعت به فراموشی سپرده شده بود. و دولت-ها نه در دوران مشروطه و نه دوران رضاشاه و نه تا ۱۰ سال بعد از برافتادن رضاشاه هم اقدامی در این مورد انجام ندادند.

[26] نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، علی رهنما، نشر گام نو، چاپ اول / ص ۴۹۳

[27] روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱/۱۰/۰۳، ص ۴

[28] نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، علی رهنما، نشر گام نو، چاپ اول / ص ۴۹۶

[29] نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، علی رهنما، نشر گام نو، چاپ اول / ص ۴۹۸

[30] روزنامه اطلاعات ۱۳۳۱/۱۰/۱۵، ص ۷

[31] نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، علی رهنما، نشر گام نو، چاپ اول / ص ۴۹۸

[32] روزنامه اطلاعات ۱۵/۱۰/۱۳۳۱، ص ۷

[33] مصدق؛ سال-های مبارزه و مقاومت، سرهنگ غلامرضا نجاتی، ج ۱، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۷۷/ص ۱۶۰

[34] روزنامه اطلاعات مورخ ۰۶/۰۳/۱۳۳۲، ص آخر

[35] گرگش تنی چند از بانوان به مصدق به مناسبت ۱۴ اسفند سالروز درگذشت دکتر مصدق، جمال صفری

[36] نشریه ایران فردا شماره ۵۳، اردیبهشت ۱۳۷۸، ویژه نامه دکتر محمد مصدق به مناسبت یکصد و هفتمین سالگرد تولدش/ گفتگوی آقای هدی صابر با مرحوم نصرت-الله خازنی رئیس دفتر دکتر مصدق با عنوان ۲۸ ماه طلایی از یک زندگی/ ص ۲۱

[37] در خلوت مصدق، شیرین سمیعی، ناشر شرکت کتاب، چاپ اول زمستان 1383، ص [۱۳۸]

[38] در خلوت مصدق، شیرین سمیعی، ناشر شرکت کتاب، چاپ اول زمستان 1383، ص ۱۳۸

[39] نشریه ایران فردا شماره ۵۳، اردیبهشت ۱۳۷۸، ویژه نامه دکتر محمد مصدق به مناسبت یکصد و هفتمین سالگرد تولدش/ گفتگوی آقای هدی صابر با مرحوم نصرت-الله خازنی رئیس دفتر دکتر مصدق با عنوان ۲۸ ماه طلایی از یک زندگی/ ص ۱۸

[40] نشریه ایران فردا شماره ۵۳، اردیبهشت ۱۳۷۸، ویژه نامه دکتر محمد مصدق به مناسبت یکصد و هفتمین سالگرد تولدش/ گفتگوی آقای هدی صابر با مرحوم نصرت-الله خازنی رئیس دفتر دکتر مصدق با عنوان ۲۸ ماه طلایی از یک زندگی/ ص ۱۸

[41] اشاره به تاریخ کودتا علیه دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برابر 19 اوت ۱۹۵۳

[42] یکی از اشعار جاویدان ایشان شعر «دوباره می-سازمت وطن» است که توسط خواننده معروف ایرانی «داریوش» هم اجرا شده است.

[43] گرگش تنی چند از بانوان به مصدق به مناسبت ۱۴ اسفند سالروز درگذشت دکتر مصدق، جمال صفری / به نقل از شناخت و تحسین هنر، سمین دانشور، انتشارات سیامک، تابستان ۱۳۷۵/ص ۳۹۵

[44] رجوع شود به مقاله «صدیقه دولت آبادی: وطن پرستی، منسوجات اسلامی و حجاب»، خانم «پری سکوتی» که منبع ایشان نیز در این مقاله اثر سه جلدی «صدیقه دولت آبادی: نامه ها، نوشته ها و یادها» به کوشش: مهدخت صنعتی و افسانه نجم آبادی (تابستان ۱۳۷۷، آمریکا) بوده است.